

راه‌های از بین بردن اثر زندان در تکرار جرم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۲/۱۸)

محمد حاج علی اکبری^۱

محقق و پژوهشگر

چکیده

مجازات حبس یا زندان به عنوان یک مجازات مهم و پرکاربرد، همواره نقشی اساسی را در سیستم کیفری کشورها خصوصاً نظام جزایی ایران ایفا نموده است و آثار مختلفی را اعم از منفی و مثبت برجای نهاده است. باید توجه داشت هدف از زندان و این مجازات تنها محروم کردن شخص از رابطه و تعامل با محیط اطراف خودش نیست بلکه هدفی والاتر از این، یعنی اصلاح و تربیت فرد دنبال می‌شود پس اقداماتی که در این زمینه صورت می‌گیرد باید متناسب با این هدف باشد و اگر با آن هیچ سنخیتی نداشته باشد باید حذف شود. از منظر حقوق جزا و علم جرم‌شناسی، مرحله اجرای مجازات، مهم‌ترین و حساس‌ترین مرحله بازسازی مجرم، بازگرداندن وی به جامعه و پیشگیری از تکرار جرم در آینده است. چرا که مجازات صرف نظر از بعد تنبیهی آن در واقع وسیله‌ای برای اصلاح و درمان مجرم است و باید تحت نظر و مراقبت مستمر مقامات قضایی اجرا شود. «وقتی فردی به مجازات محکوم می‌شود تردیدی نیست که در کنار هدف تأدیب و تنبیه، اصلاح و بازاجتماعی شدن او نیز مورد توجه جامعه است. جامعه توقع دارد که دوران محکومیت در زندان موجب شناخت بیشتر و آشنایی با مشکلات روانی و اجتماعی او شود تا با اتخاذ شیوه‌های درست، عملی و منطقی بتوان در خلال دوران محکومیت، بزهکار را درمان، تمایل به تکرار جرم را در او کاهش و او را به جامعه بازگرداند. در این مقاله علمی قصد داریم ابتدا آثار مثبت و منفی مجازات زندان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده سپس راه‌های از بین بردن اثر زندان در تکرار جرم را مورد مذاقه و پژوهش قرار دهیم.

واژگان کلیدی: حبس، تکرار جرم، مجرم، بازگشت به جامعه، فواید زندان، معایب زندان، جایگزین حبس

بخش اول: بررسی فواید کلی و آثار مثبت مجازات زندان

زندان به عنوان یکی از طریق عقوبت انسان‌هایی که مرتکب بزه و اعمال مهمی می‌شوند از قدیم‌الایام در دنیا معمول بوده است. به تدریج در اثر نفوذ افکار مصلح، خصوصاً تعلیمات پیامبران الهی توجه به کرامات ذاتی انسان و در نتیجه تربیت و بازپروری محکومین مورد اهمیت قرار گرفته است و در قانون هر کشور برای جلوگیری از وقوع و تکرار جرایم و مهار کردن مجرمین و افراد خطرناک، کیفر زندان پیش‌بینی شده است و به همین علت موضوع زندان و حقوق زندانیان مورد توجه قرار گرفته است. یکی از آثار مجازات زندان اثر ارعابی آن است. منظور از جنبه ارعابی مجازات این است که بوسیله اعمال این کیفر درخصوص مجرمین از طرفی اشخاص غیرمجرم و آنهایی که قصد ارتکاب جرم را دارند سرکوب شده و مرتکب جرم نگردند و از طرف دیگر خود مجرم از ارتکاب مجدد جرم خودداری نماید. «جنبه ارعابی مجازات سالب آزادی تنها به معنی شدید بودن آن نیست بلکه گاهی شدت مجازات نتیجه عکس دارد. آنچه مطلوب است این است که مجازات متناسب با نوع جرم بوده و مجرم از ارتکاب جرم متضرر شده باشد و بحث مهم حتمیت و اجرای کامل مجازات است ولی آنچه در سیستم کیفری ایران و در قوانین جزایی ایران مشاهده می‌گردد این است که مجازات‌ها غالباً شدید و نامتناسب است.^۱» درخصوص اثر دیگر مجازات زندان یعنی سازنده بودن آن می‌توان گفت از دیگر آثار مجازات حبس جنبه تنبیهی و نتیجتاً اصلاح فرد در زندان و بازگشت وی به یک زندگی شرافتمندانه و پیشگیری از تکرار جرم و در نتیجه بهبود سلامت جامعه است. «مجازات بزهکار به منظور پیشگیری از جرم فقط با اصلاح بزهکار موثر خواهد بود. البته گاهی اوقات جنبه ارعابی بزه بر بزهکار و ترس او از مجازات مجدد و بازگشت مجدد به زندان نیز می‌تواند جنبه پیشگیری داشته باشد. آنچه در عمل به آن رسیده‌ایم اینست که اگر جنبه اصلاحی زندان مدنظر نباشد جنبه ارعابی آن به تنهایی نمی‌تواند باعث پیشگیری از تکرار جرم باشد.» اما اثر دیگر زندان مسأله ناتوان‌سازی آن است. بدین معنی که با اجرای مجازات سالب آزادی، مرتکب برای مدتی از جامعه طرد شده خطر او برای جامعه از بین می‌رود (حفظ اجتماع و نظم عمومی) و هم اینکه خطری خود مرتکب را تهدید نمی‌کند (حفاظت از حقوق متهم و محکوم از بزه‌دیدگان یا سایر افراد و نیز حفظ ادله جرم) و هم اینکه می‌توان زندانیان را طبقه‌بندی کرد و تحت روش‌های اصلاحی خاص قرار داد تا در طول اقامت در زندان به

۱- جعفری ندوشن یداله، همان منبع، صص ۱۵۹ و ۱۶۱.

افرادی قانون‌پذیر و اجتماعی تبدیل شوند. (هدف فردی کردن مجازات و اصلاح و باز اجتماعی کردن مرتکبین) «از اینها گذشته مجازات حبس برخلاف برخی مجازات‌ها قابل تقسیم و قابل تطبیق بر موارد متفاوت و شخصیت‌های مختلف است و در صورت اشتباه قاضی نیز از لحاظ جبران خسارات سهل‌تر است»^۱.

بخش دوم: نگاهی به ابعاد مخرب و آثار منفی مجازات زندان

همانطور که می‌دانیم، زندان به منزله یک مجازات همواره در معرض انتقاد و ایراد مخالفان از یک سو و تبلیغ و ترویج موافقان از سوی دیگر قرار داشته است و در مورد آثار و پیامدهای منفی آن سخن بسیار رفته است به گونه‌ای که یکی از هدف‌های جنبش دفاع اجتماعی کنارگذاری مجازات زندان یا به حداقل رساندن استفاده از آن است. موارد بسیار زیادی وجود دارد که داد انتقاد مخالفان را برانگیخته است که در یک دسته‌بندی کلی و مختصر و مفید می‌توان گفت اهم آنها عبارتند از «هزینه‌های تأسیس زندان و نگهداری از زندانیان، ناکارآمد بودن زندان، تبدیل شدن زندان به مدرسه‌ی تکرار جرم، آموزش‌های منفی و خطرناک‌تر شدن زندانی، دور کردن زندانی از محیط اجتماعی و قطع زندگی عادی و ازدست رفتن ویژگی تریبی زندان در طول زمان از بدیهی‌ترین پیامدهای زنداند»^۲.

همچنین با تدقیق در آرای مخالفان می‌توان موارد دیگری را نیز بر موارد فوق‌الذکر افزود، از جمله: عدم موفقیت پیشگیری یا ارباب خاص، تأثیرهای روانی بر زندانی، تعارض زندان با اصل شخصی بودن مجازات‌ها، تعلق اغلب محکومان به زندان به طبقه‌های فقیر جامعه، بار اقتصادی زندان، زوال حس مسئولیت، تراکم جمعیت کیفری، خطرناک نبودن اغلب محکومان، افزایش خطرناکی مجرمان آزادشده از زندان، فراوانی کاربرد، ضعف امکانات، نبود امکانات لازم برای معتادان، کافی نبودن شمار زندان‌ها، ضعف ارزش‌های فرهنگی حاکم بر زندان، ناسودمندی زندان‌ها^۳. مخالفین زندان موافق اثر بازدارنده زندان نبوده و معتقدند «مدتی دور نگه داشتن بزهکار از محیط جرم‌زا و سپس بازگشت او به همان اوضاع و احوال، تأثیری در پیشگیری از ارتکاب جرم ندارد. تحمل حبس موجب بهبود شرایط

۱- صفاری علی، کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)، انتشارت جنگل، چاپ ششم، ۱۳۸۸، تهران، ص ۱۲۱.

۲- رستگار انارمرزی حامد، همان منبع، ص ۲.

۳- رجوع کنید به شیخی منش مجتبی، همان منبع، ص ۲۳.

زندگی او نشده و با پایان مدت حبس، زیستن در همان شرایط جرم خیز از سر گرفته می‌شود.^۱ به همین دلیل است که جرم‌شناسان و دیگر علما و محققان حقوق کیفری درصدد حل معضلات ناشی از زندان برآمده و به تحقیقات مفصلی پیرامون آن پرداخته‌اند. لکن متأسفانه در اکثر موارد تحقیقات جرم‌شناسی مؤید این واقعیت است که اساساً اجرای مجازات زندان با اندیشه اصلاح و بازپروری بزهکارانه منافات دارد. «زیرا آنچه محرک انگیزه اصلی برای ارتکاب جرم است، تمایلات نفسانی و اندیشه‌های مجرمانه‌ای است که خود می‌تواند بر حسب شخصیت افراد مختلف دارای وجوه گوناگون و اشکال متفاوتی باشد. لذا اجرای زندان به جای آنکه به علت یابی تمایلات مجرمانه پردازد و در جهت تهذیب نفس و روح آدمی تلاش کند تمرکز غایی خود را بر طرد بزهکار و تزلزل شخصیت او قرار می‌دهد.^۲» درخصوص جنبه بازدارندگی متناسب به زندان نیز در میزان اثربخشی و کارایی آن تردید فراوانی وجود دارد. این آرمان که عمدتاً بر فرض ایجاد رعب‌انگیزی عام و خاص جامعه و بزهکار مبتنی است با ایرادات متعددی مواجه است. ایراد اول آنکه ما با بزهکاران حرفه‌ای و سابقه‌داری مواجه هستیم که اگر آمار جنایی معتبر ارائه شود حکایت از تأثیرناپذیری و عدم بازدارندگی آنها به رغم اعمال مکرر این کیفر دارد. ایراد دوم آن است که متغیر مجازات زندان، اثر بازدارندگی خود را از طریق کاستن موقعیت دستیابی فرد به لذت‌ها و پاداش‌های کجروی برجای می‌گذارد. حاصل این وضع نیز در عمل آن است که تا زمانی که موجود باشد اثر انگیزه‌های مجرمانه را تقلیل و کاهش می‌دهد. این بدان مفهوم است که این متغیر، بزهکاران را فقط به شکل آنی و موقت از ارتکاب بزه باز می‌دارد. ازطرفی از نظر منتقدان، زندان نه تنها موجب ناتوان‌سازی و اصلاح مجرم نمی‌گردد بلکه زندانیان براساس مقاربت و همنشینی با یکدیگر شگردها و حیل تازه ارتکاب جرم را آموخته و مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زنند و درواقع زندان تأثیر مستقیم و اساسی را در تکرار جرم خواهد داشت.

بنابراین از منظر صاحب‌نظران مخالف زندان، این مجازات نه تنها جنبه ارعابی و بازدارنده ندارد بلکه خود بستر تولد جرایم دیگری شده و روی آوردن به جرایمی مثل روابط جنسی، سرقت، اعتیاد، قتل، ضرب و جرح و غیره در محیط زندان را در پی دارد. لازم به ذکر است که مطابق یک نظر «بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شمار زندانیان به دلایل پنج‌گانه زیر افزایش پیدا کرد: ۱- افزایش

۱- صدیق‌فر مینا، همان منبع، ص ۱۳.

۲- شیخی‌منش مجتبی، همان منبع، صص ۲-۳.

جمعیت ایران به شکل ناگهانی و بدون کنترل، ۲- وجود قوانین جرم‌زا، ۳- استفاده از مجازات زندان به منزله جانشین جزای نقدی و جبران ضرر و زیان مادی، ۴- استفاده از زندان به جای محکومیت مالی، ۵- کاهش سن مسئولیت کیفری^۱».

متأسفانه در حال حاضر بنابر تحقیقات صورت گرفته و آمارهای موجود «زندان‌های کشور از جهت وسعت محل سکونت و محل هواخوری، تراکم تعداد و انواع جرایم، امکانات شغلی و رفاهی، درمانی، ورزشی، آموزشی و حتی غذایی و نیز از نظر نوع مدیریت و موارد دیگر با یکدیگر متفاوتند. آمار موجودی زندان‌ها متغیر است و حتی جابجایی‌های موردی تغییرات بیشتری بوجود می‌آید ولی نگاهی کلی به ظرفیت موجودی و ورودی زندان‌های کشور نشان‌دهنده اهمیت تأثیری است که این نهاد اجتماعی در زمینه مربوطه (جرم و مجرم) می‌تواند داشته باشد. همچنین نگاهی به تعداد پرسنل اداری و انتظامی و سرمایه ثابت و متغیری که به صورت ساختمان و تأسیسات هزینه گردیده و نیز حقوق و مخارج جاری که صرف این نهاد می‌گردد ما را متوجه این امر می‌نماید که بالا بردن نقاط مثبت زندان و کاستن از زوایای منفی آن ضرورتی مبرم برای قوه قضاییه است^۲».

بخش سوم: بررسی میزان اثرگذاری زندان در ارتکاب مجدد جرم توسط بزهکار

هر پدیده نوظهوری پس از مدتی دچار مشکلاتی شده و با چالش‌ها و موانع مختلفی روبرو می‌گردد. زندان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و این پدیده که زمانی خود به عنوان جانشین کیفرهای بدنی مطرح شد و توانست به جای بسیاری از آنان قرار گیرد، بعدها در مقام عمل خود دچار مشکلات فراوانی شد. بعنوان مثال تعداد زندانیان روز به روز افزایش پیدا کرد، آزادشدگان دوباره مرتکب جرم می‌شدند و نرخ تکرار جرم بسیار بالا بود و به این علت بسیاری از اهدافی که برای آن موردنظر بود محقق نشد. «اهداف دوگانه‌ای که برای مجازات زندان منظور می‌شود، یعنی زندان برای مجازات و زندان همچون شیوه اصلاحی، به ندرت با یکدیگر جمع شده‌اند، چرا که زندان، به دلیل ساختارش، معمولاً غیر عادلانه با زندانی رفتار می‌کند و در نهایت، موجب افزایش کینه زندانی نسبت به عدالت و قانون می‌شود و حتی ممکن است موجب بیگانگی بیشتر فرد با جامعه و در نتیجه مقدمات افزایش ارتکاب جرم شود. دلیل اصلی این ناکارآمدی برای اصلاح زندانی در ماهیت اساسی زندان نهفته است که در

۱- رجوع کنید به رستگار انارمرزی حامد، همان منبع، صص ۱۴۶-۱۴۷.

۲- شیخی منش مجتبی، همان منبع، ص ۶۳.

آن وظیفه نگهداری مقامات زندان بر سایر اهداف ترجیح دارد، و زندان به تعبیر گافمن مؤسسه‌ای تام است، یعنی محل اقامتی است که در آن زندانیان برای مدت معینی از عمر خود زیر نظارت تقریباً مطلق مقامات اداری قرار دارند.^۱

درواقع زندان جزو مهمترین ساختارهایی است که برای حفظ آرامش اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد لکن متأسفانه در شرایط فعلی این کیفر به جای عبرت‌انگیزی و اصلاح اخلاقی به یک مدرسه بزهکاری و تکرار جرم تبدیل شده است. به همین علت علیرغم اجرای شیوه‌های مدیریت زندان و اعمال حداقل حقوق برای زندانیان هنوز نتوانسته به اهدافی که برای آن در نظر داشته‌اند برسد. البته متأسفانه باید گفت «هیچ یک از ساختارهایی که تعادل، دوام و آرامش جوامع ما را تامین می‌کردند دیگر قادر به ایفای این نقش نیستند. ناخوشایندی در همه وجود دارد. این ناخوشایندی در عدالت کیفری نیز به چشم می‌خورد و تعجب‌آور هم نیست، زیرا عدالت کیفری نقطه حساس تشکیلات اجتماعی زندان است.^۲» مارک آنسل درباره زندان می‌گوید: «زندان دیگر در عمل آنچه را که مدعی آن است یعنی برای آن ایجاد شده ارایه نمی‌دهد. هدف انسان‌های سده هجدهم که برای زندان، اقسام و درجه‌هایی را منظور کرده بودند آن بود که مجازات یاد شده جنبه عبرت‌انگیز به خود بگیرد، انسان‌های سده نوزدهم را نظر بر آن بود که زندان انفرادی، اسباب ندامت محکوم را فراهم می‌سازد و او را در اتخاذ تصمیم مبتنی بر ادامه زندگی شرافتمندانه یاری می‌دهد. انسان‌های سده بیستم نیز زندان را مکان و وسیله بازپروری اجتماعی محکوم می‌دانند ولی حقیقت این است که همه این امیدها بر باد رفته است. زندان ضمن آنکه باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزهکاری باشد از همان آغاز بصورت یک مدرسه تکرار جرم بوده و یا به آن تبدیل شده است.^۳» همانگونه که می‌دانیم جرم‌شناسان در جهت کشف و بیان چگونگی و علل ارتکاب جرم از علوم مختلفی مانند جامعه‌شناسی و روانشناسی بهره می‌گیرند و با استفاده از مطالعات جامعه‌شناختی محیط اجتماعی را به دو دسته تقسیم‌بندی نموده‌اند که شامل محیط کلی و محیط شخصی است «از انواع محیط شخصی یک نوع آن را می‌توان محیط تحمیلی دانست این قسم محیطی است که شخص در انتخاب آن اختیاری نداشته و بطور کلی آزادی

۱- عبدی عباس، همان منبع، ص ۷۹.

۲- پیکا ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه نجفی ابرندآبادی علی حسین، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰، تهران، ص ۲۹.

۳- آنسل مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه آشوری محمد و نجفی ابرندآبادی علی حسین، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵، تهران، ص ۸۷.

از بین می‌رود و یا حداقل محدود می‌شود. از جمله این محیط‌ها می‌توان زندان را نام برد^۱. لذا زندان به عنوان یک محیط تحمیلی از جمله عوامل جرم‌زا محسوب می‌گردد که در بزهکاری تأثیر بسزایی دارد. این مجازات نه تنها در اصلاح و تربیت زندانیان اثر چندانی نداشته بلکه در مواردی آنان را بیش از پیش در ارتکاب جرم متبحر و جری می‌کند. چراکه زندانیان بویژه مجرمین بدون سابقه به علت معاشرت و مصاحبت با بزهکاران خطرناک و حرفه‌ای شگرد ارتکاب انواع جرایم را می‌آموزند. از طرفی شرایط نامناسب زیست محیطی زندان اعم از فقدان یا کمبود امکانات، خدمات، رفاهیات و تسهیلات و نیز عدم وجود آموزش علمی و فنی و مربیان مجرب موانع و مشکلات را در راه اجرای دقیق و مطلوب این مجازات ایجاد کرده است که این عوامل لاجرم در جرم‌زایی زندان و بزهکاری ثانویه زندانیان مؤثر می‌باشد. علمای حقوق جزا، روانشناسان و جامعه‌شناسان نوگرا اغلب مسئله ازدیاد جرایم بویژه تکرار جرم را زائیده رژیم غلط کیفری و عدم پیروی از اصول نوین علمی جهت اداره زندان‌ها دانسته‌اند و عقیده دارند که رژیم کیفری قدیم که مبتنی بر محبوس کردن مطلق مجرمان است سبب ازدیاد جرایم گردیده است. اصولاً مجازات زندان بر پایه پیشگیری از گناه تشریح و تبیین شده ولی در عمل ثابت شده است که مجازات زندان این هدف را تأمین نمی‌کند. زیرا تجربه نشان داده است که افرادی که به زندان با اعمال شاقه که شدیدترین انواع زندان است محکوم می‌شوند پس از پایان مدت محکومیت از زندان بیرون نمی‌روند مگر اینکه با دست یازیدن به تخلف دوباره به زندان بازگردند^۲. جلوگیری از ارتکاب جرم و تکرار آن در نقش بازدارندگی مجازات سالب آزادی تجلی پیدا می‌کند. بی‌شک این بازدارندگی با دادن آگاهی توسط قانونگذار به افراد جامعه نسبت به واکنش در مقابل اعمال بزهکارانه و ایجاد ترس در آنان و نیز هشدار به فرد بزهکار و سایرین از طریق اجرای آن صورت می‌گیرد که پیشگیری عمومی و پیشگیری فردی از نتایج آن محسوب می‌شود. مع الوصف هدف بازدارندگی فردی درمورد مجازات حبس کمتر با واقعیت منطبق می‌باشد و جمعیت زندانیان را غالباً تکرارکنندگان جرم تشکیل می‌دهند. «تازمانیکه معایب زندان وجود داشته باشد با خنثی شدن ترس از آن و از بین رفتن قبح آن نزد زندانی و احیاناً بدآموزی از زندانیان حرفه‌ای، بعد بازدارندگی آن

۱- مظلومان رضا، جامعه‌شناسی کیفری، انتشارات اقبال، چاپ سوم، ۱۳۵۵، تهران، ص ۸۲

۲- گودرزی بروجردی محمدرضا، همان منبع، ص ۳۱.

مخدوش می‌گردد.^۱ به دیگر سخن «مطابق بررسی‌های معتبر در بعضی موارد، مجازات زندان نه تنها در مقابله با جرایم و تخلفات موفقیت‌چندانی نداشته و باعث بالا رفتن مقدار آنها شده است بلکه موجب گردیده است ارتکابشان به نحو جالب و با وضعی تفکرانگیز و با کیفیتی به مراتب بالاتر و سرعتی بیشتر صورت پذیرد. نتیجه تحقیقات بعمل آمده درخصوص جرایم سرقت و مواد مخدر نشان-دهنده تغییر و ارتقاء کیفیت جرم در فعالیت بعدی پس از اولین دوره حبس است.^۲ این مسئله نه تنها در کشور ما بروز و ظهور دارد بلکه دامنگیر سایر کشورها و جامعه بین‌المللی است. حتی در بسیاری از جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که زندان نه تنها نمی‌تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین‌کننده داشته باشد. بلکه درعمل به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است. «مطالعات جرم‌شناسانه نشان می‌دهد که با تمام اصلاحاتی که در رژیم زندان‌ها طی دو سده‌ی گذشته صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان‌ها منجر شده، نتایج مثبت، سودمند و مؤثری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است. نتایج بدست آمده ناامیدکننده‌اند و نظریه بازپروری و اصلاح زندانیان در بسیاری از کشورها - ازجمله ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپایی و حتی اسکانندیناوی که از دیرباز از آن پشتیبانی می‌کردند- تقریباً با شکست روبرو بوده است. افزون بر آن، ضعف امکانات فیزیکی و سازماندهی و نظارت زندان‌ها و نیز فساد رایج در میان زندانیان و زندانبانان که معمولاً مأموران عادی‌اند نه مددکاران متخصص، به نقض حقوق بشر و کرامت انسانی منتهی شده است.^۳ امروزه با مشاهده موارد فراوانی از زندانیان که بعثت ارتکاب مجدد جرم دوباره و چندباره راهی زندان می‌شوند و یا مشمول سایر مجازات‌ها قرار می‌گیرند درمی‌یابیم که متأسفانه زندان در اجرای اهداف خویش حقیقتاً شکست خورده است. درواقع «زندان با خلاء آموزشی که دارد بطور غیرمستقیم به زندانی می‌آموزد که چگونه شگردهای مجرمانه را از افراد کارکشته یاد گرفته و از پیچ و خم‌های قانون گریخته و به یک بزهکار حرفه‌ای تبدیل شود و سپس تجربیات خویش را به دیگران انتقال دهد. زندان به جای القای ارزش‌های پسندیده و بهنجار، ارزش‌های ناصواب و ضداجتماعی را به زندانیان منتقل می‌نماید زندان با به تنگنا گذاشتن زندانیان از نظر مادی و معنوی در عوض زمینه را برای

۱- خلیلی‌مه‌دی‌رجی خسرو، مقایسه تطبیقی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون ایران و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۸۴، ص ۱۸.

۲- عبدی عباس، همان منبع، صص ۴۴۴ و ۴۵۳.

۳- آشوری محمد، همان منبع، ص ۷.

تخطی کنندگان از قانون مساعدت می‌نماید. محکومیت به زندان نه تنها بر زندانی تحمیل می‌شود بلکه لاجرم عوارض سوء آن گریبان خانواده و نزدیکان وی را نیز گرفته و آنان را نیز به گرداب جرم می- کشاند زندان با تحمیل الزامات خشن و طاقت‌فرسا بزهکار را در مسیر قانون‌شکنی و سرکشی جری می- نماید. زندان قباح جرم را از بین برده و بزهکاران را به تکرار جرم تشویق می‌نماید. فسادهایی که در زندان حاکم است بزهکاری را حفظ و مجرمین اتفاقی را به بزهکاران خطرناک و حرفه‌ای تبدیل می- سازد. اصولاً نهاد زندان و شرایط زیست‌محیطی آن و تراکم و اختلاط زندانیان طوری است که نمی- تواند بزهکار تولید نکند به قول ویکتور هوگو زندان مدرسه جرم‌سازی است و ایجادکننده بزهکار حرفه‌ای^۱».

نقش زندان در تکرار جرم تنها به محیط خارج از زندان خلاصه نمی‌شود بلکه در حال حاضر شرایط زندان‌های ما به گونه‌ای است که موجبات وقوع جرایم بسیاری را در محیط داخل زندان فراهم می- آورد. درواقع می‌توان گفت «زندگی در محیط زندان توأم با تحمیل مقررات خاص آن بر زندانی، فراهم نکردن امکانات و تسهیلات، دوری از اجتماع و خانواده و بستگان، هم نشینی و مصاحبت با مجرمین خطرناک، عدم نظارت مدیران و مسئولین زندان، فقدان برنامه‌های سازنده، تراکم زندانیان، بیکاری مفرط، عدم تأمین نیازهای جسمانی و روانی و غیره شرایطی را فراهم کرده که علاوه بر تربیت و تحویل بزهکار به جامعه حتی در داخل این محیط جرم‌زا بزهکاری از طریق ارتکاب بعضی جرایم رسوخ نموده و نمایان دارد. شرایط زیست محیطی زندان خواه ناخواه موجب بروز اعمال مجرمانه‌ای خواهد شد که اگر این نهاد تأسیس نمی‌گردید ارتکاب جرایم مذکور نیز موضوعاً منتفی بود^۲». جرایمی که نوعاً در محیط زندان اتفاق می‌افتند عبارتند از:

- ۱- جرایم جنسی اعم از هم جنس بازی و قوادی، چشم‌چرانی، استمناء یا خودارضایی،
- ۲- جرایم مالی اعم از سرقت و قاچاق مواد مخدر، قمار، رشا و ارتشا، ربا.
- ۳- خرید و فروش مواد مخدر،
- ۴- خودزنی و اقدام به خودکشی،
- ۵- نزاع و درگیری،

۱- علیپور بهزاد، همان منبع، صص ۱۳۲-۱۳۳.

۲- علیپور بهزاد، همان منبع، ص ۹۸.

۶- ایراد صدمه بدنی به دیگران،

۷- تندخویی و دشنام و بکار بردن الفاظ رکیک و موهن،

۸- وارد نمودن خسارت به اموال زندان و نیز سایر زندانیان و کارکنان زندان،

۹- شورش و اغتشاش،

۱۰- اعتصاب،

۱۱- فرار از زندان.

همانگونه که می‌دانیم در صورت وقوع هریک از جرایم و تخلفات یاد شده شورای انضباطی زندان وفق مواد ۱۷۴ تا ۱۷۹ به آن رسیدگی خواهد نمود. بدیهی است که در صورتی که نیاز به رسیدگی به جرایم متهم در مراجع قضایی باشد از طریق ارسال زندانی به دادسرا نسبت به اعلام جرم وی اقدام می‌شود. طرق انتقال جرایم در زندان را می‌توان بصورت زیر برشمرد:

۱- معاشرت و اکتساب: زندانیان بر اثر معاشرت و همنشینی با یکدیگر شیوه‌ها و شگردهای بزهکاری را از هم می‌آموزند و با مشورت و همفکری با یکدیگر روش‌های نوینی را برای ارتکاب جرم خلق می‌کنند و این مسئله زمینه تکرار جرم در آینده را فراهم می‌نماید.

شیوه‌های جدید و گوناگون بزهکاری توسط تبهکاران حرفه‌ای و زندانیان با سابقه به محکومین بی‌تجربه و زندانیان تازه‌وارد آموزش و انتقال داده می‌شود و عملاً هدف اصلاحی کیفر حبس با نتیجه معکوس مواجه می‌گردد. به همین دلیل است که زندان را «آموزشگاه بزهکاری» یا «دانشگاه جانیان» نام نهاده‌اند. زیرا از طریق همین یافته‌های داخل زندان است که زمینه بزهکاری مجدد و تکرار جرم پس از خروج از زندان، چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت بیشتر و بهتر فراهم می‌گردد. یادگیری جرم در زندان از طریق مصاحبت با افراد حرفه‌ای و سابقه‌داری که دفعات یا زمان بیشتری را در زندان بسر می‌برند صورت می‌گیرد و عده‌ای از زندانیان به علت آشنایی با جرایم دیگر خصوصاً جرایم مالی مانند سرقت، به سوی آنها گرایش پیدا می‌کنند. بنابراین طبقه‌بندی و جداسازی زندانیان سابقه‌دار از افراد فاقد سابقه یکی از راه‌های پیشگیری محسوب می‌شود و یادگیری جرم را به حداقل می‌رساند. در مجموع زندان بدترین تأثیر آموزش خود را بر مجرمان بی‌تجربه و مبتدی برجای می‌گذارد. وجود ارتباط عمیق میان زندانیان و حضور کمرنگ و کم‌تأثیر مدیران و مسئولین زندان در میان زندانیان برای جلوگیری و ممانعت از ایجاد ارتباطات ناسالم میان آنها و ناتوانی در جذب زندانیان به سوی خود با برنامه‌های مفید و ارشادی، باعث می‌شود تا زندانی از سایر زندانیان طرق جدید

ارتکاب جرم را یاد بگیرد. این آموزش و انتقال جرم به صور گوناگون تغییر در نوع، ارتقاء کیفی جرم و شیوه‌های مناسب ارتکاب جرم، حیل قانونی فرار از مجازات و غیره تحقق یافته و ظهور می‌یابد. در نتیجه کیفر زندان در حبس‌های کوتاه‌مدت به‌ویژه اگر در توجه به پرونده شخصیت و تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان رعایت دقت و مراقبت لازم و کافی به عمل نیاید، می‌تواند تبعات منفی و آثار زیانبار غیرقابل جبرانی داشته باشد.

۲- سرایت و تقلید: مشاهده رفتارهای بزهکارانه بوسیله پاره‌ای از زندانیان بطور طبیعی بر روی دیگر زندانیان نیز اثر گذاشته و موجب بروز رفتارهای مشابه توسط برخی از آنان می‌گردد. با یادگیری این الگوهای رفتاری، زندانی پس از آزادی از زندان مجدداً مرتکب جرم می‌گردد.

۳- خرده فرهنگ: زندان دارای فرهنگ خاص خود است و برخی عبارات گفتاری و الگوهای رفتاری در زندان وجود دارد که مختص آن محیط است و در واقع توسط زندانیان ابداع و ترویج می‌شود و به سایر زندانیان آموزش داده می‌شود. این فرهنگ می‌تواند بستری برای وقوع جرم دوباره باشد خواه در داخل زندان و خواه در محیط خارج از آن.

۴- تراکم جمعیت: کثرت جمعیت زندانیان خود زمینه‌ساز بروز جرایم دیگر است. وقتی بر اثر تراکم جمعیت ناچار به قرار دادن چندین زندانی در یک سلول هستیم در واقع بنا به موارد پیش گفته شرایط ارتکاب مجدد جرم در آینده توسط آنان را تسهیل می‌کنیم. چراکه با افزایش جمعیت زندانیان امکان نظارت بر آنها نیز کمتر می‌شود و این امر کنترل درگیری‌ها و آشوب‌هایی که هر از گاهی در زندان رخ می‌دهد را دشوارتر می‌سازد. در صورتی که با رعایت استانداردهای لازم می‌توان از بسیاری از موارد پیش آمده جلوگیری کرد.

۵- تأمین نیازهای طبیعی انسانی: زندان زمینه بروز و ظهور جرایمی است که از نیازهای طبیعی آدمی نشأت می‌گیرد. بعنوان مثال نیاز عاطفی واقعیتهای غیرقابل انکار است که فرد زندانی با دوری از خانواده و از دست دادن دوستان و بدتر از آن طرد شدن از سوی جامعه و خانواده و آشنایان، قادر به تأمین نیازهای عاطفی خود نیست. این خلأ عاطفی زمینه‌ساز روی آوردن به کارهای دیگر اعم از دوستی و معاشرت با دیگر زندانیان، استفاده از موارد مخدر و متأسفانه در درجه شدیدتر روی آوردن به جرایم جنسی است. مورد دیگر نیاز جنسی است که بدلیل شرایط موجود در زندان، زندانی قادر به تأمین نیاز خود از طریق درست و قانونی آن نبوده و به همین دلیل به هم‌جنس خود گرایش پیدا کرده و مرتکب جرایم جنسی می‌شود. در کنار همه مسائل گفته شده، کمبود کادر مجرب اعم از مدیریت و

پرسنل اداری و انتظامی، متخصص، کارشناس، روانشناس و مددکار اجتماعی، جرم‌شناس، مربی مذهبی، مربی ورزشی و مربی فنی - حرفه‌ای در روند فعالیت‌های اصلاحی زندان خلل جدی وارد می‌کند. و هرچند در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها تخصیص پرونده پزشکی برای هر زندانی جهت حل مشکلات شخصی و خانوادگی آنان پیش‌بینی شده اما در صورت نبود نیروی متخصص کافی و عدم توجه و اهمیت ندادن به این مسایل نهایت امر چیزی جز یک بایگانی خاک گرفته از پرونده‌های زندانیان باقی نمی‌ماند.

ماده ۳۸ آیین‌نامه سازمان زندانها درخصوص اختصاص پرونده پزشکی برای زندانیان اشعار می‌دارد «اداره‌ها و واحدهای مددکاری و خدمات اجتماعی در جهت شناخت شخصیت محکومان و کشف و حل معضلات و مشکلات شخصی و خانوادگی و اجتماعی آنان با کسب نظر روان‌شناس، تحقیقات و اقدام لازم را نموده، یک نسخه از تحقیقات را جهت ضبط در پرونده شخصیت محکوم به رییس زندان و نسخه دیگر را جهت اقدام لازم به اداره متبوع خود تسلیم می‌نماید. مددکاران باید با ابراز شفقت و جلب اعتماد محکوم برای بازگشت آنان به زندگی عادی و سالم اجتماعی اقدام و اهتمام لازم به عمل آورند.» یکی از مسائل بسیار مهمی که باید در خصوص زندان‌ها رعایت نمود بحث تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان است. بی‌شک جداسازی زندانیان می‌تواند نقش بسیار مؤثری را در جلوگیری از تکرار جرم ایفا کند و بالعکس فقدان یک طبقه‌بندی دقیق موجب افزایش نرخ بزهکاری در جامعه می‌شود. وفق ماده ۶۵ آیین‌نامه سازمان زندانها در هر زندان، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال شورایی به نام شورای طبقه‌بندی زندانیان متشکل از قاضی ناظر زندان به عنوان رییس شورا، رییس زندان یا مرکز مربوط به عنوان دبیر شورا، مسئولین واحدهای قضایی، بازپروری، انتظامی، رییس اندرزگاه مربوطه، یک نفر روانشناس و یک نفر مددکار که در قسمت تشخیص فعالیت می‌نمایند با انتخاب رییس مرکز یا زندان تشکیل می‌شود که بنا بر ماده ۶۶ در خصوص تعیین و تقسیم محل استقرار محکومان و متهمان اتخاذ تصمیم می‌نماید. در ماده ۶۹ آیین‌نامه مذکور نیز ملاک‌های طبقه‌بندی محکومان و متهمان بدین شرح بیان شده است «محکومان حسب پیشینه، سن، جنسیت، تابعیت، نوع جرم، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی، چگونگی شخصیت و استعداد و میزان تحصیلات و تخصص به یکی از قسمت‌های مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان یا مؤسسه‌های تأمینی و تربیتی معرفی می‌گردند.» با تدقیق در ماده موصوف مشخص می‌شود ملاک‌هایی که در طبقه‌بندی زندانیان مورد توجه قرار می‌گیرد بشرح ذیل می‌باشد:

۱-جنسیت: تفکیک زندانیان براساس جنسیت و وجود زندان‌های جداگانه برای زنان و مردان اقدامی است که در همه کشورهای دنیا صورت می‌پذیرد. زیرا عدم رعایت آن زمینه‌ساز بروز مشکلات اساسی در زندان‌ها خواهد بود و آثار نامطلوبی را در پی خواهد داشت. در کشور ما نیز تنها ملاکی که کاملاً رعایت می‌گردد همین خصیصه است.

۲- سن: یکی از مواردی که در آیین‌نامه به آن اشاره شده توجه به سن محکومان و متهمان درخصوص طبقه‌بندی آنان است. مطابق ماده ۱۷ آیین‌نامه اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تام در کانون‌های اصلاح و تربیت به منظور اصلاح و آموزش نگهداری می‌شوند. بجز این تقسیم‌بندی، مورد دیگری در قوانین ما درخصوص تفکیک براساس سن دیده نمی‌شود.

مسئله دیگر این است که کانون اصلاح و تربیت بجز در بعضی از شهرهای بزرگ که کانون اصلاح و تربیت دایر است و اطفال و نوجوانان را تا سن ۱۸ سالگی در این مؤسسات نگهداری می‌کنند در شهرهای دیگر وجود ندارد و بنابراین آنها را مثل سایر زندانیان بالغ در زندان‌ها نگه می‌دارند. «درصورت عدم تفکیک سنی در زندان بیشترین آسیب متوجه اطفال و نوجوانان است آنها اکثراً کسانی هستند که برای اولین بار و بعضاً بطور موقت به زندان اعزام شده‌اند و هنوز ضمیر پاک و بی-آلایشی دارند و ممکن است با یک تدبیر صحیح به راه راست برگشته و دست از خطا بردارند که این امر منوط به جداسازی آنان است ولیکن به علت عدم تفکیک بر اثر مصاحبت با بزرگسالان اولاً با توجه به بالابودن قدرت یادگیری آنها شگردهای مجرمانه دیگری را نیز آموخته که اصلاح‌پذیری آنها را با مشکل مواجه می‌نماید و ثانیاً اکثراً مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. وقوع جرایم جنسی در زندان نمونه بارز آن است»^۱.

۳- وضع قضایی: وضع قضایی ملاک دیگری است که در طبقه‌بندی زندانیان مورد توجه قرار می‌گیرد. همانگونه که قبلاً بیان کردیم افراد به سه دلیل به زندان راه می‌یابند که عبارتند از: قرار بازداشت موقت (خواه بطور مستقیم و خواه به دلیل عجز از سپردن وثیقه و یا معرفی کفیل)، محکومیت قطعی و عجز از پرداخت دیون مالی. بخش اعظمی از جمعیت زندان را محکومان مالی تشکیل می‌دهند یعنی افرادی که به دلیل عجز از پرداخت بدهی، مانند مهریه، دیه و جریمه نقدی در زندان هستند بر شمار جمعیت زندان می‌افزایند. اما باید گفت این افراد درواقع مجرم نیستند و طرد آنها از جامعه نه تنها

تضمین کننده آسایش و آرامش عمومی نیست بلکه باعث افزایش جمعیت زندان‌ها شده و از همه مهم - تر آنکه این افراد را در معرض آسیب‌های جدی ناشی از محیط زندان قرار می‌دهد.

درخصوص قرار بازداشت موقت باید گفت برخی افراد به علت عجز از پرداخت وثیقه یا معرفی کفیل وارد زندان می‌شوند. البته در برخی موارد قاضی راهی جز صدور حکم به حبس پیش رو ندارد بگذریم، اما گاه در قانون آیین دادرسی کیفری با مواردی برخورد می‌کنیم که قانونگذار صدور قرار بازداشت موقت را افزایش داده و به اینجا هم بسنده نکرده و در برخی موارد قاضی را ملزم به صدور قرار بازداشت موقت نموده است. بعنوان مثال مطابق تبصره ۲ ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی در اتهام هتک حرمت منازل و املاک دیگری در صورتی که تعداد متهمان سه نفر یا بیشتر باشد و قراین قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت صادر می‌شود. در اینجا ذکر این نکته لازم است «قرار بازداشت موقت یا توقیف احتیاطی به عنوان مهم‌ترین و شدیدترین قرار است که قانون صدور آن را تحت شرایط خاصی و درخصوص بعضی جرایم ضروری می‌داند ولیکن نباید این قرار عمومیت پیدا کند چراکه با اصل برائت ناسازگاری دارد و ثانیاً رعایت تفکیک و طبقه‌بندی آن به علت کمبود فضا و امکانات دیگر با مشکل مواجه است.»

بنابراین افراد حاضر در زندان به دو دسته محکومان و متهمان تقسیم‌بندی می‌شوند که مطابق مواد ۳ و ۴ آیین‌نامه به ترتیب در زندان و بازداشتگاه نگهداری می‌شوند. و بموجب تبصره ۱ ماده ۴ «تا هنگامی که بازداشتگاه‌های موضوع این ماده ایجاد نشده است، در زندان محل جداگانه طبقه‌بندی شده‌ای برای نگهداری متهمان تحت قرار در نظر گرفته می‌شود و نگهداری متهمان با محکومان در یک مکان ممنوع است.» همچنین مطابق تبصره ۲ همان ماده «با اجرای طرح ساماندهی منطقه‌ای زندان‌های کشور که از سوی سازمان تعیین و ابلاغ می‌شود، می‌توان محکومان به حبس‌های کوتاه‌مدت تا ۶ ماه را در بازداشتگاه نگهداری کرد.»

فلذا مطابق با مطالبی که در بالا بیان شد محکومان به حبس‌های کمتر از ۶ ماه و نیز محکومان ناشی از قرار بازداشت را باید در بازداشتگاه نگهداری نمود و در صورت نبود بازداشتگاه در محلی جداگانه در زندان نگهداری می‌شوند. و بنا بر صراحت تبصره ۱ ماده ۴ نگهداری متهمان و محکومان در یک مکان ممنوع است. مسلماً یکی از اهداف مهم قانونگذار از وضع چنین شرطی همان جلوگیری از آسیب‌های ناشی از معاشرت افراد فاقد سابقه کیفری با مجرمین خطرناک و بالفطره است. لکن در حال حاضر «برابر تحقیقات بعمل آمده از چندین زندان کشور در مورد تفکیک برحسب وضع قضایی تنها در یک

زندان این تفکیک دیده می‌شود آن هم مختص به زندانیانی بود که به بیش از سه سال حبس محکوم شده‌اند. بقیه که کمتر از سه سال حبس محکوم شده بودند با بقیه زندانیان یعنی زندانیان تحت قرار در یک جا (در یکی از واحدهای زندان) نگهداری می‌شوند.^۱ «مطابق آمار سازمان زندان‌های کشور حدود ۵۰ درصد زندانیان تنها برای کمتر از ده روز در زندان اقامت می‌کنند بدیهی است در این موارد امکان ساماندهی و سیاستگذاری برنامه‌های اصلاحی و تربیتی میسر نیست بلکه برعکس بدآموزی و مضرات زندان به این گونه زندانیان منتقل می‌شود.^۲»

۴-وضع جسمانی و روانی: یکی از مواردی که مطابق آیین‌نامه باید در تقسیم‌بندی ملاک عمل قرار گیرد وضع سلامتی زندانیان است. برابر ماده ۱۲ آن، متهمان و محکومان جرایم مواد مخدر و اعتیاد در موسسه کاردرمانی (اردوگاه) نگهداری می‌شوند. زیرا اینها افرادی هستند که بعلت اعتیاد به مواد مخدر از نظر سلامتی در وضع متفاوتی با سایر زندانیان قرار دارند. همچنین وفق تبصره ۲ ماده ۶۹، چنانچه وضعیت ظاهری محکومان معرفی شده به زندان یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال حکایت از بیماری‌های روانی و جسمانی داشته باشد باید پیش از پذیرش توسط پزشک معتمد مورد معاینه قرار گرفته و در صورت نیاز به مراقبت‌های پزشکی و بیمارستانی، مراتب به قاضی مربوط اعلام گردد.

۵-مدت محکومیت: همانگونه که قبلاً بیان شد قانونگذار در آیین‌نامه جدید سازمان زندان‌ها (مصوب ۱۳۸۴) درخصوص محکومان کمتر از ۶ ماه و نیز متهمان ناشی از قرار بازداشت موقت از سایر زندانیان قابل به تفکیک شده و محل جداگانه‌ای (بازداشتگاه) را برای نگهداری آنان پیش‌بینی نموده است.

برابر بررسی‌های بعمل آمده «در اغلب کشورها برای پیشگیری از خطرات و مفسد تماس محکومین به حبس با مدت کم با بزه‌کاران حرفه‌ای و خطرناک، کیفر آنان را تعلیق و یا روش آزادی با مراقبت و غیره به مورد اجرا گذارده می‌شود.^۳» بد نبود چنین مواردی در کشور ما نیز در خصوص متهمان یا محکومان به حبس کوتاه‌مدت بکار می‌رفت و یا حداقل میزان حبس مندرج در تبصره ۱ ماده ۴ آیین-نامه افزایش می‌یافت و محکومان بیشتری (بعنوان مثال محکومان زیر ۱ یا ۲ سال حبس) را شامل می‌شد و یا نهایتاً اینکه برای افراد دارای محکومیت ۶ ماه تا سه سال یا افرادی که برای اولین بار مرتکب جرم

۱- علیپور بهزاد، همان منبع، ص ۷۹.

۲- گودرزی بروجردی محمدرضا، همان منبع، ص ۱۷۸.

۳- دانش تاج‌الزمان، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۲، تهران، ص ۲۹۲.

شده‌اند، مکان جداگانه‌ای جهت نگهداری پیش‌بینی می‌گردید. بدین ترتیب هم مراد و منظور قانونگذار از وضع ماده ۴ بهتر تأمین می‌گردید و هم اینکه بیم تجری و تبحر افراد فاقد سابقه و یا محکومان با سابقه کم، کمتر می‌شد.

۶- نوع جرم: یکی از مواردی که در آیین‌نامه به آن اشاره شده تفکیک زندانیان براساس نوع جرم ارتكابی است. لکن صرفاً در ماده ۱۲ آن به بحث جداسازی محکومان به جرایم اعتیاد و مواد مخدر از دیگر زندانیان پرداخته و بجز آن مورد دیگری در آیین‌نامه به چشم نمی‌خورد. درحالی که بهتر بود درخصوص محکومان به جرایم منافی عفت، جرایم اقتصادی و محکومان ناشی از دیون مالی و جرایم سیاسی و مطبوعاتی با سایر محکومان تفکیک و تمایزی در نظر گرفته می‌شد. گفته شده «در کشور فرانسه محکومین سیاسی در زندانهای خاص و یا در قسمت مخصوصی از زندانها کاملاً مجزا از محکومین به جرایم عمومی نگهداری و روزها می‌توانند گروهی در محوطه زندان گردش و هواخوری نمایند»^۱.

موارد دیگری از ملاک‌های طبقه‌بندی مانند پیشینه، تابعیت، چگونگی شخصیت و استعداد و میزان تحصیلات و تخصص نیز در ماده ۶۹ آیین‌نامه ذکر شده است که در زندان‌های ایران توجهی به آنها نشده و مواردی از طبقه‌بندی زندانیان براساس آنها به چشم نمی‌خورد درحالی‌که توجه به برخی از آنان مانند سابقه کیفری (پیشینه) و نیز شخصیت و تخصص از موارد بسیار مهمی است که می‌تواند به میزان بسیار زیادی از تکرار جرم جلوگیری نماید. «امروزه سیاست جنایی کشورها نه تنها دنبال اجرای دقیق سیستم تفکیک و طبقه‌بندی زندانهاست بلکه در جستجوی روش‌های نوینی برای گسترش و اجرای مطلوب سیستم مزبور و یافتن طبقه‌بندی‌های جدید است. زیرا در صورت عدم اجرای رژیم یادشده آثار زیانبار حبس کاهش یافته و زندان از هدف اساسی خود که همان اصلاح و تربیت و بازسازی مجدد جرم است دور نمی‌ماند و از طرفی مجازات زندان با سهولت بیشتری قابل اجرا است»^۲. وقتی فرد برای نخستین بار به زندان می‌افتد دو حالت درمورد دوران پس از آزادی وی قابل تصور است. حالت نخست و خوشبینانه این است که فرد بر اثر شرایط موجود در زندان و آثاری که زندانی شدن وی دربرداشته متنبه شده و دیگر به سراغ ارتكاب جرم نمی‌رود و درواقع زندان نقش تنبیهی و ارعابی و

۱- دانش تاج‌الزمان، همان منبع، ص ۲۹۵.

۲- علیپور بهزاد، همان منبع، ص ۷۶.

بازدارنده خود را به خوبی ایفا نموده است. حالت دوم که متأسفانه درخصوص پاره‌ای از مجرمان (مانند کسانی که در علم جرم‌شناسی مجرمین به عادت خوانده می‌شوند) بیشتر اتفاق می‌افتد آنست که فرد آزاد شده مجدداً به جرم (مشابه یا متفاوت از جرم قبلی) روی می‌آورد. یکی از علل چنین رخدادی واکنشی است که فرد در مقابل زندانی شدنش از خود نشان می‌دهد. درواقع چنین فردی خود را مستحق در بند شدن و دوری از اجتماع و خانواده و تبعات دیگر آن مانند از دست دادن شغل و موقعیت اجتماعی و غیره ندانسته و با ارتکاب مجدد جرم به نوعی قصد انتقام گرفتن از جامعه‌ای را دارد که او را از خود طرد نموده است. حالت شدیدتر این نوع انتقام‌گیری در قتل قاضی صادرکننده حکم یا طرف شاکی و وکیلش یا هر کس دیگری که از نظر زندانی مسبب به زندان افتادن وی بوده و در مواردی نیز اقدام به خودکشی، نمودار می‌شود. اقدام به ارتکاب مجدد جرم در این شرایط در اصطلاح جرم‌شناسان و روانشناسان منفعت ارتکاب جرم خوانده می‌شود. مطابق یک تحقیق بعمل آمده دراین خصوص «در صورتی که کیفیت اولین جرم ارتكابی را برای افراد سابقه‌دار و بی‌سابقه مقایسه کنیم مشخص می‌شود که افراد سابقه‌دار، ارتكاب اولین جرمشان را از کیفیت پایین شروع کرده‌اند و در زندان با سرعت بیشتری ارتقاء کیفیت یافته‌اند. به عبارت دیگر منافع ارتكاب مجدد جرم برای افرادی که با کیفیت ارتكابی پایینی به زندان می‌آیند با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد. این موضوع درمورد هر دو جرم مواد مخدر و سرقت صادق است»^۱

بخش چهارم: نگاهی به عوامل تاثیر گذار و علل تاثیر زندان در تکرار جرم

برخی تحقیقات اخیر در پی اثبات این هستند که تدابیر اصلاحی- درمانی، در مقایسه با اجرای مجازات‌های کلاسیک، نتایج بهتری در زمینه پیشگیری از تکرار جرم به دست نمی‌دهد. از این رو، برخی دیگر از این تفکر دفاع می‌کنند که اصلاح زندان باید همچون هدفی جنبی ولی مطلوب، باقی بماند، زیرا اگر هدف اصلی مجازات در نظر گرفته شود، نظریه اصلاح خدشه‌دار می‌شود و به نتایج مطلوب نخواهد انجامید. «به همین دلیل، در دهه‌های گذشته، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، دیدگاه جدیدی با عنوان جنبش دفاع اجتماعی تقویت شده است. این دیدگاه در نقد نظام موجود کیفری و مخالفت با تکیه صرف بر جنبه حقوقی کیفر شکل گرفته است»^۲. حتی برخی خواهان تغییر عنوان قانون

۱- شیخی منش مجتبی، همان منبع، ص ۶۶.

۲- آنسل مارک، همان منبع، ص ۴۳.

کیفری به دفاع یا حمایت اجتماعی و طالب متروک شدن لفظ کیفر شده‌اند. در نتیجه این دیدگاه‌هاست که اکنون شیوه‌های جدید کیفری از قبیل حبس خانگی، آزادی با قید التزام، محکومیت تعلیقی، امکان مرخصی‌های زیاد و غیره رواج بیشتری پیدا کرده است. علاوه بر این به مسئله جرم‌زایی زندان بعنوان موضوع مهمی در مطالعات آسیب‌شناسانه توجه شده است. بررسی‌های صورت گرفته در حیطه علم جرم‌شناسی و مطالعه درخصوص زندان‌ها حاکی از آنست که «رفتار مجرمانه رفتاری عقلانی است. این فرض را در مورد ارتکاب مجدد جرم پس از زندان بیشتر می‌توان پذیرفت، زیرا اولین جرم ممکن است «واکنشی» باشد، ولی در ادامه احتمالاً تبدیل به «کنش» می‌شود و تحت تأثیر «موقعیت» اجرا می‌شود. بر این مبنا، چنین نیست که افراد صرفاً به سوی فعالیت‌های تبهکارانه رانده شوند، بلکه فعالانه دست زدن به این اعمال را انتخاب و فکر می‌کنند که ارزش خطر کردن را دارد. بنابراین، باید منافع و هزینه‌های ارتکاب جرم را از دیدگاه عامل رفتار، شناسایی و سپس تعیین کرد که زندان چه تغییری در منافع و هزینه‌های مذکور ایجاد می‌کند و آیا سود یا زیان خالص را برای ارتکاب جرم افزایش می‌دهد یا کاهش^۱»

«به طور کلی، عواملی که موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم می‌شوند دو دسته‌اند: عواملی که منافع خالص ارتکاب جرم را افزایش می‌دهند و عواملی که از هزینه‌های خالص آن می‌کاهند، و در نتیجه، «موقعیت» فرد را به سوی ارتکاب جرم تغییر می‌دهند. این عوامل را می‌توان از جهت دیگری نیز به دو گروه عوامل ذهنی و درونی و عوامل عینی و بیرونی تقسیم‌بندی کرد. عوامل ذهنی و درونی در بر گیرنده مواردی است مانند بی‌اعتمادی به قانون حاکم و دستگاه قضایی، بی‌اهمیت جلوه کردن مجازان زندان که قرار است عامل بازدارنده باشد و اکتساب توجیهاتی منطقی برای دفاع از ارتکاب جرم. عوامل عینی و بیرونی در بر گیرنده مواردی است مانند از هم گسیختگی خانواده، طرد اجتماعی، بیکاری و از دست دادن شغل و درآمد، افزایش دوستی با بزهکاران و پیدان کردن گروه‌های مرجع جدید، و آموزش و یادگیری فنون ارتکاب جرم. بخشی از این عوامل منافع را افزایش می‌دهد و بخشی دیگر از هزینه‌های ارتکاب جرم می‌کاهد. در مجموع، می‌توان مدعی شد که زندان از جهات مختلف ممکن است موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم شود، زیرا زندان ممکن است شکاف میان حقوق موضوعه و حقوق اشرافی یا شهودی را تشدید کند، شکاف میان اهداف و ابزار مشروع را

افزایش دهد، موجب تغییر در گروه‌های مرجع و وابستگی‌های فرد به دیگران، اعم از وابستگی‌های فکری و اخلاقی (دانش‌ها، باورها و ارزش‌ها) و وابستگی‌های رابطه‌ای و مادی شود، موجب برچسب اجتماعی شود، و خلاصه در هر سه حوزه حقوقی، اجتماعی و روان‌شناختی در زندان تأثیر بگذارد و «موقعیت» فرد را برای ارتکاب جرم معینی تغییر دهد.^۱» در تحقیقی که از زندان‌های ایران به عمل آمده نشان می‌دهد: ۲۹ درصد افراد به طور مرتب مرتکب جرم شده به زندان بازگشت نموده‌اند بدین ترتیب درمی‌یابیم که زندان نه تنها برای افراد سابقه‌دار (یعنی ۲۹ درصد) کاری صورت نمی‌دهد (چون آمار ۲۹ درصد در طی ۵ سال ثابت بوده است) بلکه سایر زندانیان یعنی زندانیان بی سابقه به طور غیرمستقیم در معرض آموزش‌های غلط آن قرار می‌گیرند. با این وضع زندان نمی‌تواند مکان اصلاحی و تربیتی باشد چراکه با ادغام افراد با سابقه و بدون سابقه در کنار یکدیگر موجبات یادگیری رفتار مجرمانه توسط افراد بدون سابقه را هم فراهم می‌آورد.^۲ باتوجه به مطالبی که آورده شده می‌توان علل تأثیر زندان در تکرار جرم را بشرح موارد زیر دسته‌بندی نمود:

۱- تأثیر گذشته مجرمانه فرد بر تکرار جرم او: منظور از گذشته مجرمانه، همان سابقه کیفری یا تعداد جرایم موجود در کارنامه فرد است. به طور معمول تعداد جرایم ارتكابی و میزان میل و گرایش به تکرار جرم با هم ارتباط دارند. این موضوع از دو منظر ثابت شده است اول تحقیقات درخصوص تکرارهای جرم کشف شده و دیگری رقم سیاه بزهکاری است. تحقیقی که درخصوص زندانیان دارای حبس‌های طولانی مدت بعمل آمده نشان‌دهنده این مطلب بوده که کسانی که یک بار سابقه رفتن به زندان را دارند بعد از خروج از زندان به میزان ۲۵ درصد مرتکب تکرار جرم شده‌اند. درحالی که این رقم درمورد اشخاصی که چهار بار یا بیشتر به زندان رفته‌اند، ۴۶ درصد بوده است. همچنین طی تحقیقاتی که در فرانسه صورت گرفته نشان داده که محکومین به حبس بعد از خروج از زندان در چهار سال اولیه تا چه اندازه مرتکب تکرار جرم می‌شوند.

نتایج بدست آمده حاکی از این واقعیت است که نرخ متوسط بازگشت به زندان برای کسانی که تعداد جرایم موجود در کارنامه آنها بالا بوده حدود ۳۴ درصد و افرادی که تعداد جرایم ثبت شده در کارنامه آنها کمتر بوده ۲۳ درصد می‌باشد. بنابراین نتیجه حاصل از تمامی مطالعات انجام شده این

۱- عبدی عباس، همان منبع، ص ۸۱

۲- زینالی علی، نارون محمد و محمدزاده تورج، بررسی آماری بازگشت مجدد زندانیان به عنوان شاخص اصلاح یا مجازات، خلاصه مقالات دومین همایش سراسری علمی- تخصصی سازمان زندان‌ها، ۱۳۷۹، تهران، ص ۴۷.

است که گذشته مجرمانه سنگین و کارنامه سنگین بزهکاری، بر حال شخص بزهکار تأثیر زیادی دارد. در این زمینه تحقیقات مختلف به این نتیجه واحد رسیده که هرچه کارنامه مجرمانه سنگین تر و ارتکاب جرم در سنین پایین تر صورت گرفته باشد تکرار جرم بیشتر است^۱. بنابراین کسانی که قبلاً بارها (یا حداقل یکبار) به زندان افتاده‌اند آسان تر و جسورانه تر از دیگران دست به ارتکاب مجدد جرم می‌زنند زیرا قبلاً در شرایط زندان قرار گرفته و حتی آموزه‌ها مفیدی را نیز در زمینه ارتکاب جرایم در طول حضور خود در زندان بدست آورده‌اند همچنانکه راه‌های گریز قانونی و فرار از چنگال عدالت را نیز می‌آموزند و سعی می‌کنند در مراحل بعدی حساب شده تر گام بردارند تا مجدداً به زندان گرفتار نشوند.

۲- شناخت افراد مشابه در زندان: زندان سازماندهی طبقه‌ای از بزهکاران را امکانپذیر یا به عبارت بهتر تسهیل می‌کند، گروهی هماهنگ با یکدیگر و آماده برای هرگونه همدستی در آینده و در نتیجه جمع شدن مجرمین در زیر یک سقف باعث می‌شود که قدرت درگیری و سرایت تخلفات در میان آنها بیشتر شود و حالت همگانی پیدا کند.

۳- از دست دادن موقعیت اجتماعی: از دست دادن موقعیت اجتماعی بر اثر به زندان افتادن فرد، شامل از دست دادن شغل و نیز طرد اجتماعی می‌شود. فردی که از زندان خارج می‌شود برچسب سابقه‌دار بودن را بر پیشانی خود دارد و اینکه به چه علتی به زندان رفته و اساساً حکم صادره درخصوص وی صحیح بوده یا نه و نیز تا چه اندازه در اتفاق پیش آمده سهیم بوده است از نظر اجتماع و مردم اهمیتی ندارد. وقتی فرد در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد و اعتبار خود را ازدست‌رفته می‌یابد ناچار به سمت ارتکاب جرم سوق می‌یابد. در واقع اکثریت افرادی که از زندان آزاد می‌شوند توان بدست آوردن موقعیت و اعتبار سابق خود را نداشته و پس از شکست سنگینی که بر اثر محکوم شدن به زندان متحمل می‌شوند به سمت اموری گرایش پیدا می‌کنند که بتوانند این شکست را به گونه‌ای دیگر جبران کنند. به دیگر سخن کیفر سالب آزادی بدلیل ایجاد بدبینی نسبت به محکوم به کیفر حبس پس از تحمل مجازات، دشواری پذیرش اجتماعی، خانوادگی، شغلی او و اوضاع و احوال حاکم بر زندان، در مقدمه‌سازی پدیده تکرار جرم موثر است.

۴- نامناسب بودن شرایط محیطی و زیستی زندان: شرایط زندان‌ها در کشور ما از استانداردهای لازم برخوردار نبوده و بسیاری از مواردی که در آیین‌نامه درخصوص آن آمده رعایت

نشده و با کمبودهای فراوانی مواجه است. قبلا نیز اشاره شد که کمبود امکانات آموزشی و ابزارهای شغلی و نیز نبود متخصصان و مربیان و کارشناسان مجرب لازم در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، ورزشی و مذهبی آثار سوئی را در پی دارد که مهمترین آن تکرار جرم است. وقتی فرد در محیط زندان تحت آموزش‌های لازم روانشناسی و جامعه‌شناسی و مذهبی قرار نگیرد و از طرفی امکانات معیشتی نیز در حد قابل قبول نباشد نه تنها در مدت تحمل حبس متنبه نشده بلکه بالعکس با فراگیری آموزش‌های مختلف حیل و شگردهای جرم از سوی افراد هم‌کیش خود به سمت ارتکاب مجدد جرم گرایش پیدا می‌کند. ناگفته نماند که برای برخی از افراد زندان بعنوان یک سرپناه امن و جایی است که می‌توان خوراک و پوشاک رایگان دریافت کرد و استراحت نمود. بنابراین اندیشیدن تمهیداتی برای اینگونه افراد تهدیدست که عموماً با خرده‌بزهکاری و جرم‌های کوچک و کم‌اهمیت مثل جیب‌بری و کیف‌قاپی یا سرقت گوشی تلفن همراه و غیره، گرفتار زندان می‌شوند از طریق ایجاد سرپناه یا مراقبت دقیق پس از زندان می‌توان از تکرار جرم آنها جلوگیری کرد و حتی برخی از آنان به سرعت پس از خروج از زندان مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زنند و با عجز از معرفی ضامن یا کفیل به زندان می‌روند تا حتی برای یک شب هم که شده مأمن خود را ازدست ندهند. همه اینها علاوه بر اینکه بر دولت و جامعه هزینه بار می‌کند آنها را مستعد جرایم بزرگتر و مهم‌تر نیز می‌نماید. چراکه چه بسا برخی از آنان پس از آشنایی با خلافکاران حرفه‌ای برای رهایی از وضع تنگدستی و رنج زندگی جذب گروه آنان شده و پس از آزادی مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زنند. از مجموع این مباحث نتیجه می‌گیریم زندان بنظر اندیشمندان حقوق دو خصیصه دارد ۱- جرم‌زدایی، ۲- جرم‌زایی. که در نهایت تأسف باید گفت خصیصه دوم آن درطول سالهای اخیر بیشتر نمود پیدا کرده است و سببی برای تکرار جرم شده است. خلاصه آنکه ناچار به پذیرفتن این واقعیت هستیم که «زندان دیگر در عمل آنچه را که مدعی آن است یعنی به منظور آن ایجاد شده ارائه نمی‌دهد. واکنش اجتماعی موجبات برچسب یا انگ مجرمانه زدن به فرد را فراهم می‌سازد نظام عدالت کیفری باعث ایجاد انگ اجتماعی می‌شود (از طریق سجل کیفری، منع اقامت در محل معین و غیره) و پلیس، دادگستری و زندان‌ها هریک به نوبه خود، از عوامل لکه‌دار کردن اجتماعی محسوب می‌گردند. در این صورت به عقیده لی مرت جرم‌شناس انگلیسی «بزهکار می‌تواند از رفتار منحرفانه خود یا نقش مربوط به آن بعنوان یک وسیله دفاع، تهاجم یا سازگاری با مسائل نهان و آشکاری که آثار و پیامدهای واکنش اجتماعی بر علیه او ایجاد کرده، استفاده نماید. بدین سان این انحرافات ثانویه، بر بزهکار اولیه مسلط می‌شود زیرا در

غایت، فرد مجرم جایگاه و هویت اجتماعی یک منحرف را می‌پذیرد و در جهت انطباق خود با نقش‌ها و عملکردهای مربوط به آن کوشش می‌کند. مفهوم تشدید انحراف اشاره به روندی دارد که در آن واکنش اجتماعی در مقابل انحراف فرد، عملاً موجب افزایش و تشدید و تقویت آن می‌شود. تصویری که فرد درستکار از زندان در ذهن دارد با تصور تبهکار یکسان نیست. زندانی برای فرد درستکار رنج و مشقت و بدنامی است و حال آنکه در نظر بسیاری از تبهکاران زندان جایی است که در آنجا عده کثیری از رفقای خود را بازمی‌یابند و با هزینه دولت زندگی می‌کنند و در نتیجه زندان نمی‌تواند به آنچه که برای آن در نظر داشته‌اند برسد.^۱

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی کلی و پایانی این مقاله و در راستای نتیجه‌گیری باید گفت دیدگاه عمومی درخصوص زندان، محلی برای تأدیب و تنبیه مجرمین و کسانی است که به هر علتی مرتکب اعمال ناشایست و خلاف قانون شده‌اند. نظر قانونگذار ما نیز از نگرش عمومی دور نیفتاده و مجازات حبس به عنوان یکی از مجازات‌های مهم تعزیری و بازدارنده در قوانین پیش‌بینی شده است. درواقع زندان به عنوان یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های مجازات مجرم یکی تاوان‌های سنگین ارتکاب جرم است، که همچنین متضمن آسیب‌ها و صدمات اجتماعی گوناگونی از قبیل از دست دادن شغل، طرد اجتماعی، از هم پاشیدن خانواده و غیره می‌باشد. از طرفی بین اولین مرتبه زندانی شدن فرد و دفعات دیگر، یادگیری شگردهای خاص ارتکاب مجدد جرم، آشنایی با افراد جدید، و فرار از مجازات‌های قانونی و چگونگی تأثیرات یادشده رابطه وجود دارد که شناخت هرچه بهتر آنها موجبات جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط زندانیان را فراهم می‌آورد و می‌تواند در بکارگیری صحیح این مجازات یاری رساند. تاکنون راهکارهای متفاوتی در این خصوص اجرا شده است. از توسل به عفو گرفته تا قضا‌زدایی و جایگزین کردن تدابیر کیفری غیر سالب آزادی که اثرات مؤثری در کاهش جمعیت کیفری داشته است. اما گذشت زمان نشان داده که بنا به مقتضیات و شرایط عصر حاضر روش‌های موجود به تنهایی کافی و جوابگو نبوده و باید به دنبال طرق نوینی برای حل مشکلات ناشی از مجازات حبس و چگونگی کاهش توسل به این مجازات باشیم. در این پایان‌نامه راهکارهایی که پس از مطالعات فراوان درخصوص زندان و بررسی شرایط و اوضاع و احوال موجود، به ذهن نگارنده خطور نموده که بعنوان

۱- عثمانی سعید، همان منبع، صص ۳۵-۳۶.

- پیشنهاد در مبحث راه‌های ممکن جهت کاهش تأثیر زندان ارائه گردید. بطور کلی راهکارهای پیشنهادی درخصوص کاهش تأثیر زندان نسبت به تکرار جرم عبارتند از:
- ۱- کاهش تراکم زندانیان از طریق توسل به عفو، کیفرزدایی و قضازدایی،
 - ۲- توجه به اشتغال زندانیان،
 - ۳- بکارگیری زندانیان برحسب تخصص و مهارت آنان در کارها و پروژه‌های ملی،
 - ۴- آشنا ساختن خانواده زندانی با شرایط جدید وی،
 - ۵- بالا بردن سطح فرهنگ جامعه و بهبود دیدگاه آنان نسبت به زندانیان،
 - ۶- مراقبت و حمایت همه‌جانبه از زندانیان پس از آزادی،
 - ۷- نگهداری از متهمان در محیط‌های غیر از زندان مانند مراکز تربیتی و بازپروری،
 - ۸- تفکیک و نگهداری جداگانه زندانیان سابقه‌دار و خطرناک و نیز زندانیان جرایم مربوط به مواد مخدر،
 - ۹- تعالی مذهبی محکومین و آشنا نمودن متهمان و محکومان با ارزش‌های مذهبی،
 - ۱۰- تغییر محیط فرهنگی زندان و جایگزین کردن آن به یک محیط مناسب.
- راهکارهای ارائه شده شاید در ابتدا ساده بنظر برسند اما درصورت کاربست عملی و صحیح آن‌ها، می‌توانند نقش بسیار مؤثری در کاهش اثر مخرب زندان درخصوص تکرار جرم داشته باشند. بعنوان مثال حمایت اقتصادی متعارف از زندانیان در طول مدت تحمل حبس و نیز پس از آزادی و یا فرهنگ‌سازی و بهبود نگرش افراد جامعه به فرد زندانی و نیز جلوگیری از هدر رفتن توان و انرژی افراد زندانی از طریق بکارگیری زندانیان برحسب تخصص و مهارت آنان در کارها و پروژه‌های ملی از جمله مواردی است که پیشنهاد شد. در پایان آنچه مسلم است طرق پیشگیری از تأثیر زندان در تکرار جرم به همین جا ختم نمی‌شود و تلاش همه‌جانبه محققان علوم جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی جهت روشن کردن ابعاد مختلف قضیه از یک طرف، پیگیری‌ها و اقدامات عملی قوه مقننه جهت تصویب قوانین و لوایح و آیین‌نامه‌های لازم و قوه قضاییه برای به اجرا درآمدن آنها از طرف دیگر، حمایت و نظارت دولت بر اجرای این مصوبات و نهایتاً همکاری قضات و وکلا و سایر مسئولان قضایی جهت عملی نمودن روش‌های ایجاد شده را می‌طلبد و خلاصه آنکه مسئله‌ای است بس خطیر و دشوار که نیازمند عظم و اراده ملی و همگانی است.

منابع و مآخذ

الف) کتب

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آشوری، محمد، جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر (مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان)، ۱۳۸۶، تهران، انتشارات میزان.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ۱۳۷۷، جلد ۲، تهران، نشر میزان.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۸۳، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- ۵- دانش، تاج‌الزمان، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، ۱۳۷۲، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- شمس، علی، زندان‌ها در هزاره سوم، ۱۳۸۶، تهران، انتشارات راه تربیت.
- ۷- صفاری، علی، کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر سالب آزادی)، ۱۳۸۸، چاپ ششم، تهران، انتشارات جنگل.
- ۸- عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی و میانجیگری کیفری، ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشور.
- ۹- فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ۱۳۸۴، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ پنجم، تهران، نشر نی.
- ۱۰- کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، ۱۳۶۹، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- گارو، ژرژ، مطالعات علمی و نظری در حقوق جزا، ۱۳۷۲، ترجمه سید ضیاءالدین پیمانی، تهران، نشر میزان.
- ۱۲- گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ۱۳۸۴، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۳- گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیلا، تاریخ تحولات زندان، ۱۳۸۳، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۱۴- مظلومان، رضا، جامعه‌شناسی کیفری، ۱۳۵۵، چاپ سوم، تهران، انتشارات اقبال.
- ۱۵- وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ۱۳۸۴، ترجمه محمدحسن بکایی، چاپ ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ب) مقالات

- ۱- آشوری، محمد، ۱۳۸۱، بررسی جایگزین‌های مجازات حبس، همایش بین‌المللی بررسی راه‌های جایگزین مجازات حبس، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۸، ص ۱۵ تا ۳۵.
- ۲- اشناپدر، ایرینه، ۱۳۸۸، نگرشی بر روند تاریخی و حقوقی زندان در حقوق اسلام پیش از تدوین و تدوین، ترجمه محمدحسین ساکت، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۸، ص ۷۰ تا ۱۰۱.
- ۳- تدین، عباس، ۱۳۸۸، رابطه پیشگیری از تکرار جرم و آزادی مشروط (مجموعه مقالات پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی)، معاونت آموزشی ناجا، ص ۳ تا ۳۰.
- ۴- زینالی، علی، نارون، محمد و محمدزاده، تورج، ۱۳۷۹، بررسی آماری بازگشت مجدد زندانیان به عنوان شاخص اصلاح یا مجازات (خلاصه مقالات دومین همایش سراسری علمی- تخصصی سازمان زندان‌ها)، ص ۴۷ تا ۷۵.
- ۵- گودرزی بروجردی، محمدرضا، ۱۳۸۲، نارسایی‌های زندان، مجله دانشگاه علوم رضوی، شماره ۹ و ۱۰، مشهد، ص ۱۷ تا ۳۳.
- ۶- محولاتی، علیرضا، ۱۳۸۲، جایگزین‌های مجازات زندان و نهاد تعزیر، فصلنامه مفید، شماره ۲۷، ص ۱۵ تا ۴۰.
- ۷- محمدی فرود، حمید، ۱۳۸۸، بررسی توصیفی زندان‌های کشور و تبیین مشکلات آنها، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۸۵، ص ۴۰ تا ۵۰.

ج) پایان‌نامه‌ها:

- ۱- اسکندری، خسرو، ۱۳۸۸، حقوق زندانیان در ایران و تطبیق آن با قواعد حداقل حقوق لازم‌الرعايه سازمان ملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق.
- ۲- جعفری ندوشن، یداله، ۱۳۸۴، حبس و پیامدهای آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق.
- ۳- خلیلی مهدیرجی، خسرو، ۱۳۸۴، مقایسه تطبیقی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون ایران و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق.

